

دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی ج.ا.ا بر اساس گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام

فتح‌الله رشیدزاده^۱

محمدجواد علیزاده^۲

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۴/۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۲/۱

چکیده

در رویکرد مضیق به مفهوم امنیت ملی، این مفهوم از ابتدا در بعد نظامی آن تعریف شده بود و بر این اساس، افزایش توان و قدرت نظامی تا سرحد امکان، تأمین‌کننده امنیت به شمار می‌رفت. به واسطه خساراتی که این رویکرد برای جامعه بشری داشت، بعدها در رویکرد موسع به امنیت ملی، ابعاد دیگری تعریف و امنیت نظامی یکی از ابعاد آن محسوب می‌شد. به علت استفاده ابزاری از این مفهوم، به تدریج در نگرش مکاتب مختلف امنیتی، برای بعد نظامی امنیت تأثیر کمتری قائل شدند و همکاری دسته‌جمعی و امنیت جمعی را راه کار بهتری برای امنیت جامعه بشری معرفی کردند. گرچه برخی دیدگاه‌ها و مکاتب امنیتی بر کم اثر شدن بعد نظامی امنیت به علت ماهیت پیچیده فضای کنونی تأکید دارند، ولی به نظر می‌رسد این مؤلفه کماکان در حوزه امنیت نقش جدی دارد و کماکان ابزاری در دست دولتمردان برای تهاجم و دفاع است، زیرا تهدید نظامی هنوز مرکز سنتی نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است و اقدام نظامی، می‌تواند همه اجزای دولتی که مورد حمله واقع شده است را تهدید و پایه‌های مادی دولت را تحت فشار قرار داده و خسارت و زیان زیادی به بار آورد. بنابراین امنیت نظامی کماکان اهمیت خاص خود را حفظ نموده و در ادبیات نظامی - امنیتی جایگاه خود را دارد. از سوی دیگر تأمین امنیت نظامی که در کار ویژه نیروهای مسلح و قدرت نظامی - امنیتی تعریف شده است، نیازمند ابعاد نرم‌افزاری و سخت‌افزاری است. از جمله این ابعاد می‌توان به اصول، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی بر اساس اسناد بالادستی اشاره نمود. هدف این پژوهش تعیین ابعاد مذکور در گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام است تا با استفاده از روش تحقیق موردی - زمینه‌ای و همچنین روش تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان و تحلیل تفسیری، ابعاد موردنظر در حوزه امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران احصاء و ارائه گردد. در نتایج حاصل از تحقیق، مصادیق مرتبط با هر یک از ابعاد مذکور احصاء و در انتهای پژوهش ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دکترین، اهداف، سیاست، امنیت نظامی، گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی

^۱ استادیار و عضو هیئت علمی دانشکده علوم و فنون فارابی

^۲ نویسنده مسئول و دانشجوی دکتری مطالعات امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی

M.j.alizadeh2000@gmail.com

۱- مقدمه:

از بدو پیدایش مفهوم امنیت ملی^۱، ابتدا این مفهوم در بعد نظامی تعریف و تحدید شده بود و در واقع واحد سیاسی که دارای قدرت بیشتر و نیروی نظامی قوی تر بود، دارای امنیت بیشتر قلمداد می شد. اندیشمندان در رویکرد موسع^۲ به امنیت ملی، ابعاد دیگری را به امنیت ملی افزودند که در این رویکرد، امنیت نظامی^۳ یکی از ابعاد امنیت ملی محسوب می شود. مفهوم امنیت نظامی در هر واحد سیاسی متناسب با سیاستها، اهداف و دکترینهای تدوین شده، می تواند تفاوت داشته باشد و طیفی از اقدامات مانند تهاجم^۴ و دفاع^۵ را برای حفظ آنچه به عنوان مأموریت نیروهای مسلح و هدف از کسب قدرت نظامی - امنیتی محسوب شده، در برگیرد. با نگرش به تعاریفی که در حوزه های نظامی و دفاعی مطرح است، به طور کلی می توان امنیت نظامی را در حوزه نیروهای مسلح هر کشور و امنیت دفاعی^۶ را در سطح ملی تعریف نمود، در واقع حوزه های نظامی و کارکردهای نیروهای مسلح، بخشی از فرایندهای دفاعی هر کشور را تشکیل می دهند و نیروهای مسلح نمود ظاهری و بخش ملموس دفاع و در قالب حوزه نظامی محسوب می شوند. در جمهوری اسلامی ایران، امنیت نظامی در قالب فقدان ناامنی نظامی در کارویژه نیروهای مسلح^۷ و قدرت نظامی - امنیتی معنا پیدا می کند و هدف نیروهای مسلح، دفاع از نظام مقدس جمهوری اسلامی، حفظ استقلال^۸، حفظ تمامیت ارضی^۹، حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی در مقابل تهدیدات نظامی بیگانه و دفاع مسلحانه از انقلاب است. بر اساس تجارب به دست آمده، رهنامه جمهوری اسلامی ایران به سوی رهنامه دفاعی ناهمگون گرایش یافته و دارای ماهیتی تدافعی است و مطالعه ادبیات و دیدگاه های وزرای دفاع ایران از سال ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸ بیانگر این نکته است. برای مثال سردار احمد وحیدی وزیر وقت دفاع جمهوری اسلامی ایران به صراحت بیان داشته رهنامه (دکترین) امنیت ملی ایران مبتنی بر اصل بازدارندگی است. (نامه دفاع، ۱۳۹۱: ۱۳۹) همچنین راهبرد جمهوری اسلامی ایران بر اساس تدابیر فرماندهی معظم کل قوا (مدظله العالی)، دفاع بازدارنده یا

¹ National Security

² Board

³ Military Security

⁴ Invasion

⁵ Defense

⁶ Defense Security

⁷ Armed Forces

⁸ Independence

⁹ Territorial Integrity

بازدارندگی است که بارها بر آن تأکید و اشاره شده است. معظم له در چارچوب راهبرد بازدارندگی، «روش تهدید در برابر تهدید» را نیز مطرح نموده‌اند. (همان: ۱۴۲) بنابراین استخراج اهداف، دکترین و سیاست‌های امنیت نظامی در گفتمان ولایت‌فقیه (حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه)، حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی)، قانون اساسی و سیاست‌های کلی از دغدغه‌های مهم محقق است و با توجه به موارد فوق [مسئله مهم] مدنظر این پژوهش عبارت است از: **مدون نبودن اهداف، دکترین و سیاست‌های امنیت نظامی بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی.**

[اهمیت و ضرورت‌های] مترتب بر انجام این پژوهش را می‌توان ایجاد وفاق نظری میان صاحب نظران و خبرگان و دست‌اندرکاران حوزه امنیت نظامی، سودمندی علمی به‌واسطه بهره‌برداری‌های آتی مراکز علمی و پژوهشی راهبردی، تعمیق مبانی به‌دست‌آمده در هدایت فکری پژوهشگران که مبتنی بر قانون اساسی و گفتمان ولایت‌فقیه است. این پژوهش قادر است تصمیم‌گیران سیاسی، دفاعی، امنیتی و اجرایی را در فرآیند برنامه‌ریزی در سطوح راهبردی و عملیاتی در امنیت نظامی ترغیب کند تا با توجه به اصول و عناصر معرفی‌شده، متناسب با مقتضیات بومی و فرهنگ اسلامی - ایرانی، اولویت‌ها را انتخاب و اجرای آن‌ها را پیگیری نمایند. در صورتی که مؤلفه‌های پاسخگوی نیازمندی‌های نظام و دفع مدل‌های غربی در حوزه امنیت نظامی تدوین و ارائه نگردد ناکامی‌های حوزه امنیت نظامی می‌تواند دوباره تکرار شود.

[هدف اصلی] این پژوهش تعیین دکترین، اهداف و سیاست‌های حوزه امنیت نظامی بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام است. اهداف فرعی آن عبارت‌اند از:

۱- تبیین گفتمان ولایت‌فقیه (حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی) در حوزه دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی.

۲- استخراج محورها و رویکردهای قانون اساسی و سیاست‌های کلی در حوزه دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی.

[سؤال اصلی] این پژوهش: دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام کدام‌اند؟

[سؤال‌های فرعی] پژوهش: ۱- گفتمان ولایت‌فقیه (حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه و حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی) در حوزه دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی چیست؟

۲- محورها و رویکردهای قانون اساسی و سیاست‌های کلی در حوزه دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی کدامند؟
در این پژوهش با توجه به بهره‌گیری از روش‌های تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان و تحلیل تفسیری، فرضیه‌ای تدوین نمی‌گردد.

۲- مبانی نظری:

۲-۱- پیشینه‌ها:

۱-۱-۲- مقاله مؤلفه‌های نظامی امنیت از دیدگاه حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) توسط اصغر اکبری پورکانی در همایش امنیت پایدار، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، بهار ۱۳۹۱ ارائه شد. حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) با تأکید بر این بخش از امنیت، نقش بسزای نیروهای مسلح را به‌عنوان کلیدی‌ترین عنصر امنیت در حفظ تمامیت ارضی یک کشور متذکر می‌شوند. با بررسی سخنان ایشان، در این خصوص به مؤلفه‌های مهمی در جهت تقویت امنیت نظامی دست می‌یابیم، ساماندهی نیروهای مسلح و تأکید بر وجود نظم و رعایت سلسله‌مراتب نیروهای نظامی و انتظامی، وحدت نیروهای مسلح اعم از ارتش سپاه و بسیج، ایجاد روحیه احساس مشترک و تحکیم کارایی نیروهای مسلح.

۲-۱-۲- مقاله راهبردهای نظامی امنیت پایدار توسط فارس عبدی در همایش امنیت پایدار، دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام، بهار ۱۳۹۱ ارائه شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که دیپلماسی نظامی کشور، تبیین نقش دفاعی و بازدارنده ایران در مقابل قدرت‌های سلطه‌گر فرامنطقه‌ای است که تأمین امنیت منطقه را با مشارکت کشورهای منطقه و اعتمادسازی در جهت ترسیم صلح و ثبات منطقه و نفی ایده ایران هراسی نشان می‌دهد. بنابراین به مهم‌ترین ارکان امنیت پایدار در راهبردهای نظامی ایران اشاره می‌گردد: -حداکثر سازی قدرت بازدارندگی با الف: افزایش توان عملیاتی و مدیریت جنگ‌های الکترونیک.

ب: تقویت سپر حفاظتی پدافند هوایی و امنیت بخشی به فضای هوایی کشور در مقابل تعرض هوایی. ج: استقرار موشک‌های بالستیک و مخاطره پایگاه‌های آمریکا در منطقه و قلمرو رژیم صهیونیستی. د: گسترش مرزهای استراتژیک دفاعی کشور خارج از قلمرو سرزمینی و بهره‌گیری از متحدین منطقه‌ای ایران. -تغییر تاکتیک‌ها و به‌کارگیری دکترین‌های نوین دفاعی با الهام از آموزه‌های جنگی سایر کشورها و تجارب هشت سال دفاع مقدس. -جنگ نامتقارن یا نبرد همتراز و شناخت

پاشنه آشیل قدرت نظامی دشمن. -جلوگیری از حمله پیش‌دستانه با رصد دائمی تحرکت دشمنان و تحمل ضربه اول دشمن در صورت وقوع تهاجم و توان وارد آوردن ضربه دوم متقابل برای مقابله قاطعانه و شدید علیه دشمن.

۳-۱-۲- مقاله دفاع و امنیت ملی از نگاه مقام معظم رهبری حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در دفتر مطالعات سیاسی، شماره ۱۲۳۷۱، اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۱ منتشر شد. در این مقاله آمده امنیت ملی و دفاعی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در اندیشه حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) همانند سایر مفاهیم و تعبیر مهم و محوری سیاسی در قلمرو مکتب حیات‌بخش اسلام و آموزه‌های دینی تفسیر و تحلیل می‌شود. بر این اساس (امنیت و دفاع ملی) در نظام جمهوری اسلامی یک مؤلفه قدسی و ارزشی بشمار می‌آید. در خصوص مباحث مربوط به دفاع از منظر معظم له، انطباق اندیشه‌های اسلامی و کاربرد این مفاهیم در مقولات نوین جهانی قابل اشاره است. در اندیشه‌های راهگشا و روشنگر حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) ابعاد و مؤلفه‌های دفاع و امنیت ملی نظام جمهوری اسلامی و چالش‌های فراروی آن برآمده است. معظم له آمادگی‌های لازم و هوشیاری نیروهای مسلح را در رصد کردن تحرکات دشمنان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای یادآور شده و خواهان افزایش توان دفاعی آنان برای تأمین امنیت از بازدارندگی در مقابل تهاجم دشمنان است.

۴-۱-۲- مقاله الگوی راهبردی تحکیم و توسعه اقتدار دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران توسط فتح‌الله رشید زاده، ذبیح‌الله عاشوری، جعفر شهرام فر در فصلنامه مطالعات دفاعی - استراتژیک، دانشگاه عالی دفاع ملی، سال دوازدهم، شماره ۴۶، زمستان ۱۳۹۰ منتشر شد. دستاوردهای این پژوهش نمایانگر این است که تحکیم و توسعه اقتدار دفاعی امنیتی حول محور ولایت‌فقیه شکل می‌گیرد. ویژگی‌های نفوذ، مشروعیت و کارآمدی نیز در چارچوب یک مثلث متساوی الاضلاع تبلور می‌یابند. الگوی دفاعی امنیتی مطلوب برآمده از اسناد مرجع و بالادستی آن بایستی با بازدارندگی همه‌جانبه، حافظ بقا، امنیت و پایداری جامعه باشد. در این پژوهش عوامل ۲۳ گانه اقتدار دفاعی - امنیتی مورد شناسایی قرار گرفتند. در مؤلفه دفاعی امنیتی بر ثبات و اقتدار ملی و رسیدن به جامعه ای امن، مستقل و مقتدر، خودکفا، ولایت مدار، با سامانه دفاعی امنیتی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه و نیز پیوستگی مردم و حکومت تأکید شده است.

۲-۲- مفهوم شناسی

۱-۲-۲- قدرت نظامی^۱: مجموعه ای از نیروهای مسلح یک کشور توأم با سایر عناصر قدرت ملی و توان زمامداران کشور در به‌کارگیری این نیروها برای پشتیبانی از اهداف و سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور است. (تهامی، ۱۳۸۴: ۹۱)

۲-۲-۲- نظامی‌گری: اعتقاد به اینکه برای حفظ منافع کشور باید توانمندی نظامی و دفاعی آن بسیار زیاد باشد. (فرهنگ جامع واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، ۱۳۹۱: ۶۴۳)

۳-۲-۲- توانمندی نظامی: توانایی دستیابی به اهداف نظامی جنگی (مانند پیروزی جنگی و نابودسازی اهداف دشمن) را گویند. توانمندی چهار عنصر اصلی دارد: ساختار نظامی، نوسازی، آمادگی، ایستادگی. (فرهنگ جامع واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، ۱۳۹۱: ۶۴۴) در ایجاد توانایی نظامی، مؤلفه‌هایی مانند نیروی انسانی، روحیه، وفاداری و اطاعت‌پذیری، انضباط، آموزش، تجهیزات، امکانات، فناوری، فرماندهی کارآمد، لجستیک فعال، مردمی بودن، مهارت و تخصص، قدرت حفظ و تولید اطلاعاتی، ساختار و تشکیلات نقش دارند. (صنّعی، ۱۳۸۶: ۱۰)

۴-۲-۲- تعریف عملیاتی امنیت نظامی: عبارت است از شرایط و وضعیتی که موجب امنیت در برابر هرگونه تهدید نظامی بیگانه و ناامنی‌های نظامی از طریق مقابله، ایجاد بازدارندگی، توان پاسخگویی و دفاع مسلحانه تا دفع و خنثی‌سازی تهدید به‌منظور توسعه اطمینان و اعتماد در نیل به اهداف نظام و ایجاد بستر تحکیم و پیشرفت سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران گردد که با به‌کارگیری مجموع قدرت نظامی و نیروهای نظامی- امنیتی تحت تدابیر و فرامین ولایت‌فقیه حاصل می‌شود.

۳-۲- امنیت نظامی:

رویکرد نظامی، اولین رویکرد منسجم در حوزه مطالعات امنیت ملی را شکل می‌دهد که برای دوره زمانی طولانی در کانون توجه تحلیل‌گران امنیت و دولت‌مردان قرار داشته است. اگرچه انتقادهای صریحی که نسبت به این رویکرد مطرح شده، محوریت آن را زیر سؤال برده است، اما این به آن معنا نیست که ملاحظات نظامی عرصه مطالعات امنیت ملی را ترک گفته‌اند. واقع امر این است که آنچه ما بیشتر با آن مواجه می‌باشیم، تغییر چهره نظامی‌گری در مطالعات امنیت ملی است و به

¹ Military Power

² Militarism

³ Military Capability

عبارتی این موضوع با حفظ اهمیت و اولویت خود در ورای ملاحظات جدید مربوط به امنیت ملی، همچنان نقش‌آفرینی می‌کند و به همین دلیل سهم بالایی از توانمندی دولت‌ها متوجه فعالیت‌های نظامی است. (کوستر، ۱۳۸۱: ۱۴۷) عامل نظامی در طول تاریخ از کلیدی‌ترین عوامل حفظ امنیت کشورها بوده است. طی سال‌های بیشمار در اثر جنگ‌ها و درگیری‌های بسیار، بر اهمیت عامل نظامی و جایگاه اساسی آن در امنیت ملل افزوده شد و پدید آمدن نظریه کامل و همه‌جانبه درباره امنیت ملی را ناممکن ساخت. در دوره‌های مذکور مفهوم امنیت نظامی معادل امنیت ملی بود و هرگاه صحبت از مسئله امنیت به میان می‌آمد، به‌طور طبیعی ابتدا موضوع امنیت نظامی به ذهن متبادر می‌شد. بر اساس تفکر قدیمی راجع به امنیت، سلسله‌مراتب عوامل امنیتی در ارتش و سپس سیاست خارجی انعکاس می‌یافت. پس از جنگ سرد با دگرگونی در اوضاع جهانی و مطرح‌شدن مفهوم امنیت فراگیر، جایگاه اقتصاد و دیگر عوامل و نقش آن‌ها در تضمین امنیت کشور، اهمیت روزافزون یافت. البته این به معنای کاهش اهمیت عامل نظامی نیست زیرا جنگ‌های محلی و منطقه‌ای و مسابقه جدید تسلیحاتی در دوران پس از جنگ سرد و احتمال تشدید آن‌ها موجب گردیده که متفکران روابط بین‌الملل بار دیگر به اهمیت این عامل پردازند. بنابراین از نظر تاریخی جنگ مهم‌ترین و کهن‌ترین تهدید علیه امنیت بشر بوده و به‌طور طبیعی، امنیت نظامی نیز مهم‌ترین بخش امنیت ملی را تشکیل می‌داده است. در بعضی از کشورها و در برخی از دوره‌های تاریخی، عامل نظامی نه‌فقط برای تضمین امنیت کشور به کار نرفته، بلکه موجب تهدید و ناآرامی گردیده و نه‌فقط با دیگر عوامل امنیتی مانند سیاست و اقتصاد و غیره مکمل یکدیگر نبوده، بلکه آن‌ها را در خدمت خود در آورده است. در چنان شرایطی امنیت ملی روی به وخامت نهاده، هدف جنگ بر هدف امنیت اولویت یافته و کسب قدرت نظامی هر چه بیشتر در رأس برنامه‌های کشورها قرار گرفته است. از آن پس دوره‌های متوالی جنگ و درگیری‌های نظامی به وقوع پیوسته و امنیت نظامی در ساختار امنیت ملی جایگاه هدایت‌کننده یافته است. لیکن تأکید بیش‌ازحد بر تقویت بنیه نظامی و بی‌توجهی به اقتصاد در بسیاری از موارد موجب فروپاشی قدرت‌های بزرگ و امپراتوری‌های قدرتمند گردیده است. (امیدوارنیا، ۱۳۸۱: ۶۹) از زمان ظهور ناپلئون تا امروز ابزار نظامی در ذیل فرآیند «عقلانی شدن قدرت نظامی» توسعه و تنوع بسیاری یافته‌اند به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد به مدد فناوری، چهره و ماهیت تازه یافته‌اند.

اهداف قدیمی کاربرد قدرت کم‌ویش شناخته شده هستند. بنا به گفته «رابرت آرت»^۱ این اهداف را می‌توان در ذیل چهار عنوان کلی دسته‌بندی نمود: دفاع، بازدارندگی، اجبار و نمایش قدرت. (شولتز، ۱۳۸۶: ۷۸) در برخی نظرات، امنیت نظامی به اثرات متقابل توانایی‌هایی تهاجمی و دفاعی مسلحانه دولت‌ها و نیز برداشت آن‌ها از مقاصد یکدیگر مربوط است. (بوزان، ۱۳۸۹: ۳۴) در بعد نظامی امنیت ملی، تأکید بر مسئله حفاظت مستقیم فیزیکی از قلمرو دولت و ساکنان آن فراتر رفته است و در مسئله دیدگاه ملی از امنیت نظامی، درحالی‌که توانایی جنگ کردن و پیروزی نظامی در آن هنوز هم هدف محوری است، ولی در بسیاری کشورها تأکید بر جنگ سنتی به‌سوی کشمکش غیر سنتی کم‌شدت معطوف شده است. (ماندل، ۱۳۷۹: ۷۲). با این دیدگاه، امنیت نظامی عبارت است از میزان قابلیت نیروهای مسلح یک کشور برای حفاظت از حکومت و مردم در مقابل تهدیدات قهرآمیز (همان: ۸۷) امنیت نظامی مصونیتی است که هم با ابزار نظامی به خطر می‌افتد و هم با ابزار نظامی تأمین می‌شود و همان‌گونه که از عنوانش پیداست، جنس آن نظامی است. بنابراین می‌توان آن را این‌گونه هم تعریف نمود: مصونیت یک فرد، گروه و ملت از تعرض و تجاوز فیزیکی مسلحانه به حقوق مشروع او، به‌عبارت‌دیگر به رسمیت شناخته شدن حق یک فرد، گروه و ملت در دفاع از جان، مال، ناموس، وطن و حکومت مطلوبش در مقابل تعرض‌ها و تجاوزات قهرآمیز مسلحانه، امنیت نظامی محسوب می‌شود. در این حوزه، مباحثی در حوزه اجحاف، زور، جنگ، دفاع مسلحانه و تصمیم‌گیری‌های دفاعی و نظامی مطرح شود. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۹۱) دکتر تهامی، تعاریف موسع و جامع‌تری از امنیت نظامی مطرح می‌کند و معتقد است امنیت نظامی به معنای این است که کشور از خطر تهدیدهای نظامی در امان باشد. بدیهی است یک جامعه در شرایطی می‌تواند امنیت نظامی داشته باشد که علاوه بر داشتن قابلیت‌های اقتصادی، علمی، فناوری، انسانی، عمق راهبردی و رهبری قوی، نیروهای مسلح آن جامعه از توان رزمی نسبی برتر برای پاسخگویی به تهدیدهای بالقوه و بالفعل نظامی موجود علیه کشور برخوردار باشند، به‌عبارت‌دیگر برای رسیدن به امنیت نظامی، کسب و توسعه عوامل و مؤلفه‌های قدرت نظامی برتر در ابعاد نامحسوس، محسوس و برتر ساز نسبت به رقیبان، ضرورتی حیاتی دارد و نیل به این عوامل تنها در سایه وجود رهبری توانا، اقتصاد قوی، فناوری پیشرفته، وسعت مناسب، نیروی انسانی کافی، طرح‌ریزی‌ها و برنامه‌ریزی‌های همه‌جانبه راهبردی میسر است. پیروی

^۱ R.Art

از دکترین نظامی صحیح و اتخاذ سیاست دفاعی مؤثر در ابعاد ساختاری، تسلیحاتی، پرسنلی، اعتباری، دفاع غیرنظامی، رابطه تبعی قدرت نظامی و قدرت سیاسی و تدوین راهبرد بهینه نظامی ملاحظاتی هستند که قدرت نسبی نظامی و به پیروی از آن، امنیت نظامی نسبی را برای یک جامعه پدید می‌آورند. برخورداری نیروهای مسلح از حمایت ملی و جایگاه اجتماعی مناسب، پاسخگو بودن طرح‌های بسیج ملی، پیروی قدرت نظامی از قدرت سیاسی، بی‌طرفی نیروهای مسلح در رقابت‌های سیاسی و رعایت کامل ملاحظات دفاعی در آمایش سرزمینی نیز در زمره عوامل دیگری هستند که امنیت نظامی را در یک کشور تقویت می‌کنند. کشوری می‌تواند از امنیت نظامی برخوردار باشد که بدون وارد شدن به جنگ، بتواند منافع حیاتی خود را حفظ کند و چنانچه به جنگ هم مبادرت ورزید، قادر باشد منافع حیاتی خود را تأمین نماید. نتیجه اینکه موضوعاتی از قبیل دکترین نظامی، سیاست دفاعی، راهبرد نظامی، قابلیت‌های اقتصادی، علمی، فناوری، انسانی، درجه لیاقت و شایستگی دولتمردان و توان رزمی نسبی نیروهای مسلح در هر کشوری، متغیرهای مستقلی هستند که قدرت نظامی نسبی کشور و امنیت نظامی نسبی جامعه، متغیرهای وابسته را تشکیل می‌دهند. (تهامی، ۱۳۸۴: ۸۹) با وجود تحولاتی که در سطح جهان رخ داده و اهمیت ابعاد مختلف امنیت، دستیابی به قدرت زیاد از طریق افزایش تعداد نفرات و قدرت آتش تسلیحات در چند قدرت عمده جهان جای خود را به حفظ توانائی‌های کوچک‌تر، انعطاف‌پذیرتر و برخوردار از بهره‌دهی نظامی سریع‌تر داده است. هم‌زمان شاهد گسترش چشمگیر سلاح‌های کشتار جمعی به‌خصوص سلاح‌های اتمی و شیمیائی هستیم. از لحاظ راهبردی و تاکتیکی، جهت‌گیری اصلی از یک دکترین غیر پویا و ثابت به سوی برنامه‌ریزی‌های متنوع برحسب نوع تهدید و تأکید بر روی تصمیمات سریع و به هنگام و بسیج نیروها گرایش پیدا کرده است. از نظر دیدگاه جهانی امنیت نظامی، اهداف موردنظر عبارت‌اند از:

- توان ایجاد، حفظ و کاربرد مؤثر اتحادیه‌های نظامی.
- موفقیت در تلاش‌های چندجانبه برای جلوگیری از وقوع جنگ و پایان بخشیدن به آن یا دستیابی به کنترل تسلیحات. (ماندل، ۱۳۷۹: ۷۲)

با این حال تکیه بر امنیت نظامی مستلزم داشتن نیروی مسلح قوی با تسلیحات مناسب و کاربردی است که این خود زمینه وابستگی را فراهم می‌آورد، زیرا تهیه تسلیحات در دنیای کنونی و پیشرفت فناوری یکی از مسائل مهم است و از آنجاکه همه دولت‌ها نمی‌توانند نسبت به تهیه سلاح‌های

متعارف اقدام کنند، بنابراین گزینه تهیه تسلیحات از خارج مطرح می‌شود که ممکن است از یک منبع یا منابع متعدد صورت گیرد و یا گزینه تولید در داخل / تأمین از خارج مدنظر قرار گیرد که در هر صورت نوعی از وابستگی را در پی دارد. بر همین اساس بخشی از مفهوم امنیت نظامی با رقابت تسلیحاتی درهم‌تنیده شده است. رابطه بین تسلیحات و اقتصاد کشورها و از طرفی رابطه بین فروش تسلیحات و سیاست‌های امنیتی این مسئله را تبدیل به یک موضوع چندوجهی سیاسی، اقتصادی و امنیتی نموده است. در هم تنیدگی فوق آن‌چنان پیشرفته است که هرتز و جرویس به تبیین این دو مفهوم پرداخته و معتقدند امنیت نظامی مفهوم مفیدتر از «رقابت تسلیحاتی» و «معمای امنیتی» است. بر طبق این مفهوم، تلاش‌های دولت برای حفظ امنیت خویش ممکن است صرفاً انگیزه‌های دفاعی داشته باشد، اما در نظر دولت دیگر، انگیزه‌های تهاجمی تلقی می‌شود. (ریبئی، ۱۳۸۳: ۱۴۴) البته دلایل بروز جنگ در نظام بین‌المللی دچار تحولات زیادی شده است به‌ویژه پس از دوران جنگ سرد، ساختار هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل بیشتر یک تسهیل‌کننده است که اجازه می‌دهد تنش‌ها در سطح ملی و فروملی به سرعت به کشمکش تبدیل گردد (ماندل، ۱۳۷۹: ۹۱) در منازعات آتی، طرف‌های درگیری دیگر فقط دولت‌های ملی نیستند بلکه نیروهای فروملی و فراملی در صحنه‌ها نقش بیشتری دارند. بوث^۱ استدلال می‌کند که فراگرد جنگ در حال تبدیل شدن به یک پدیده فرهنگی است تا یک پدیده سیاسی - نظامی. عده ای به خاطر هرج و مرج گونه نظام بین‌الملل معتقدند که جنگ در چارچوب امنیتی جدید، نسبت به گذشته بیشتر شامل عناصر غیرعقلانی شده است. بیشتر جنگ‌ها در چارچوب جدید امنیتی در جهان سوم رخ خواهد داد که در آن کشمکش و اصطکاک و بی‌نظمی و پریشانی تا زمان ظهور نظام جدید که جایگزین پویایی کشمکش‌های دوران جنگ سرد شود، ادامه خواهد داشت. (همان: ۹۳) پژوهشگران همواره بر اهمیت نقش نیروی نظامی در مناسبات بین‌المللی تأکید داشته‌اند و پیوسته این نظر رایج بوده که در صورت حاد شدن مسائل مربوط به امنیت کشورها، قدرت نظامی است که نیروی تعیین‌کننده است. بااینکه به‌طور کلی نمی‌توان این نظر را رد کرد، اما امروزه باید ملاحظات تازه ای را در این زمینه در نظر داشت. ازجمله اینکه حد امنیت کشورها به‌ویژه کشورهای بزرگ در مجموع بیشتر شده است یعنی ترس از موردحمله قرار گرفتن کاهش یافته است. باوجود این استفاده از نیروی نظامی برای مسائل اقتصادی در میان کشورهای بزرگ صنعتی منتفی نیست. ضمن اینکه در میان

¹ Booth

کشورهای کوچک استفاده از نیروی قهریه هنوز نقش مهمی دارد. نقش بازدارندگی هسته ای در این میان جای خاصی دارد و قدرت تخریبی سلاح‌های هسته ای موجب شده که کشورهای بزرگ از ترس گسترش درگیری‌های کوچک و تبدیل آن به جنگ‌های هسته ای گسترده نسبت به توسل به درگیری نظامی احتیاط بیشتری به کار ببرند، بنابراین در مجموع می‌توان گفت از کارایی نیروی نظامی در جریان مناسبات قدرت بین کشورها تا حدی کاسته شده و در عوض به کارایی نیروی اقتصادی افزوده شده است (روشندل، ۱۳۸۷: ۱۰۴) در دوران پس از جنگ سرد، ساختار هرج و مرج گونه و بی‌نظم جهانی بیشتر یک تسهیل‌کننده است که اجازه می‌دهد تنش‌ها در سطوح ملی و فروملی به سرعت به کشمکش تبدیل گردند. نقش شخصیت رهبری، هویت قومی و محرومیت یا نابرابری نسبی به عنوان عامل تسهیل‌کننده طغیان به شدت اطمینان یافته است. کشمکش‌ها در سایه وابستگی متقابل شدید تحت نظام هرج و مرج و یا هنگامی که رنجشی در مورد اختلافات عمدی یا غیرعمدی در جریان واردات از خارج پیش می‌آید، تسریع می‌گردد. در خصوص ماهیت جنگ، زمینه برای ساختار هرج و مرج گونه و بی‌قاعدگی از کشمکش‌های بین‌المللی نسبت به گذشته، فراهم شده است. اودوم^۱ معتقد است که گذشته از تغییراتی که در نظام بین‌المللی در پایان جنگ سرد رخ داده است، ظهور فناوری‌های تازه با کاربردهای نظامی، خود انقلابی در ماهیت جنگ محسوب می‌شود. عملیات محدود و سریع که از موارد کشمکش‌های غیر سنتی کم شدت محسوب می‌شود، به مرور بیش از جنگ‌های قدیمی عمومیت پیدا می‌کند. یکی از پیامدهای گسترش اشکال جنگ در پایین‌ترین سطوح آن، این است که تفکیک دقیق بین جنگ و صلح به طور فزاینده ای مشکل شده است: کشمکش‌های خشونت‌آمیز حتی بدون اعلان جنگ رخ می‌دهد و آتش‌بس‌های طولانی به صلح شباهت پیدا می‌کنند. (ماندل، ۱۳۷۹: ۹۱) ابزارهای زور به طور قابل ملاحظه‌ای گسترش یافته است. همراه با رشد و گسترش فزاینده سلاح‌های اتمی و میکروبی / شیمیایی، فرض‌های سنتی درباره خودداری بهره‌گیری از آنها در حال از بین رفتن است. این هراس در حال گسترش است که دولت‌های یاغی یا گروه‌های تروریستی به این سلاح‌ها دسترسی یابند و این فناوری نظامی در بازارهای سیاه به طور فزاینده مبادله شده و در دسترس قرار گیرد یا کشورها و گروه‌های بیشتری بتوانند سلاح‌های مزبور را در سایه انتقال سریع فناوری بسازند و در عین حال اتحادهای نظامی و موازنه‌های قدرت منطقه‌ای موجود نیز قادر به جلوگیری

^۱ Odome

از استفاده آن‌ها نباشند. به تدریج سلاح‌های غیر متعارف بیشتری به صورت بخشی از جنگ‌های مدرن در می‌آیند و با وجود ممانعت‌های حقوقی جهت محدود کردن استفاده از آن‌ها، این روند ادامه دارد. سلاح‌های شیمیایی به طور اخص برای استفاده آماده به نظر می‌رسد. به علاوه، انواع انتخاب‌ها و راه‌های غیر نظامی در کشمکش‌ها، نقش حیاتی ایفا می‌نمایند. روش‌های اقتصادی به خصوص اعمال فشار اقتصادی، اقدامات روانی به خصوص تبلیغات و اقدامات اطلاعاتی به ویژه عملیات پنهان و جاسوسی در این زمینه قابل ذکر هستند. ورود این رهیافت‌های غیر نظامی به صحنه، باعث بروز تردیدهایی در خصوص ضرورت یا کفایت نیروهای مسلح گسترده یا زرادخانه‌های عظیم تسلیحاتی جهت دفاع نظامی در بسیاری از کشورها شده است. (همان: ۹۴)

در دین مبین اسلام و قرآن کریم تمامی آیاتی که مسلمانان را به جهاد با مخالفان فرا می‌خواند و برخی آیات دیگر نشان از تأثیر این بعد در امنیت ملی دارد. در امنیت نظامی تأکید قرآن تنها بر آمادگی برای جنگ و پیروزی در جنگ آن هم با نفرت و امکانات فراوان نیست، بلکه دستیابی به تجهیزات و امکانات پیشرفته نظامی و روحیه بالای جهادگران از اولویت‌های اصلی دکتترین نظامی قرآن است. بر این اساس خداوند از مجاهدان می‌خواهد در برابر نفرت بسیار دشمن ایستادگی کنند. «إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ»^۱ توجه به سیاق این آیات نیز حکایت از درستی این برداشت دارد؛ چه اینکه در سیاق آن‌ها می‌خوانیم: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ»^۲ واژه «قوه» می‌تواند ناظر به کیفیت تجهیزات و ادوات جنگی باشد. امنیت مورد توجه قرآن پیمان‌های نظامی با متحدان را می‌طلبد به همین جهت مسلمانان به صلح با دیگران فرا خوانده می‌شوند. هدف مشخص امنیتی در حوزه امنیت نظامی جلوگیری از بروز جنگ و در صورت رخداد جنگ، پیروزی است. به همین جهت آیه «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ» ناظر به وضعیت جنگی نیست، بلکه هدف کسب آمادگی و قدرت بازدارندگی و جلوگیری از حمله دشمن است. در این آیه می‌خوانیم: «تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ» و بر همین اساس در آیه پس از آن، به هراسی که آمادگی و قدرت بازدارندگی در دشمنان ایجاد می‌کند و آن‌ها را خواهان صلح می‌خواند اشاره شده است: «وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا»^۳. (بهرامی، ۱۳۸۲: ۱۱۴)

^۱ سوره مبارکه انفال، آیه ۶۵

^۲ سوره مبارکه انفال، آیه ۶۰

^۳ سوره مبارکه انفال، آیه ۶۱

در تاریخ یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در طرح‌های راهبردی بازدارندگی در حفظ وضع موجود و تداوم صلح و همچنین پیروزی در یک جنگ (خواسته یا ناخواسته) را مجهز بودن به مدرن‌ترین سلاح‌های، فناوری‌های تسلیحاتی و نیروهای زنده و مجرب و آموزش دیده می‌دانسته‌اند.

یعنی معتقد بودند که یک دولت اگر بخواهد امنیت نظامی در وهله اول و امنیت‌های دیگر را در مرتبه بعد حفظ کند، باید به‌طور روزافزون در پی کسب پیشرفته‌ترین فناوری نظامی و برتری تسلیحاتی نسبت به رقیب باشد. البته ما امروز و در طول تاریخ شاهد بوده‌ایم که اغلب گروه‌ها و دولت‌های که در جنگ حرف اول را زده‌اند که جنگ افزارهای برتر و نیروهای مجرب‌تری داشته‌اند. تاریخ در مورد کوروش هخامنشی که نیمی از جهان متمدن آن روز را به تصرف خود درآورد می‌گوید: کوروش دریافته بود که ابزار جنگی پیشرفته دارای مزیت‌های بسیار و باعث پیروزی، آسایش و امنیت لشگریان است. قرآن کریم نیز مسلمانان را به آمادگی و تهیه تجهیزات و ایجاد تمهیداتی برای نیرومندی و امنیت تحریک و تحریص می‌نماید. این مسئله اگرچه از عموم صدر آیه ۶۰ سوره انفال به دست می‌آید که می‌فرماید: «و آماده کنید برای مسلمانان آنچه را در استطاعت دارید از قوا»، اما به‌خصوص به تجهیزات نظامی اشاره مستقیم دارد و می‌فرماید: «یعنی از گروه اسبان دونه^۱». همچنین سیره پیامبر اسلام صلی‌الله‌علیه و آله و ائمه اطهار سلام الله اجمعین نیز بر همین قرار گرفت که تلاش کنند در هر جا سلاح پیشرفته و فناوری ویژه ای وجود داشته است، آن را برای مسلمانان فراهم کنند و یا آن‌ها را برای آموزش گسیل دارند حتی اگر آموزش و تهیه سلاح از طریق کفار باشد. این مسئله باعث شد که مسلمانان بیاموزند:

(۱) در آموزش نظامی کوتاهی نکنند.

(۲) تجهیزات را از هر طریق شرعی که امکان داشته باشد برای خودشان تهیه کنند.

(۳) برای کسب دانش فنی نظامی حتی به سرزمین‌های دیگر سفر کنند.

از منظر حضرت امام علی علیه‌السلام گرفتن آموزش و دادن آموزش نظامی نیز یک ابزار قدرت است زیرا او از قرآن آموخته بود کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند برابر نیستند. البته اگر آموزش را فعالیت هدف‌دار آموزگار برای یادگیری مطلوب بدانیم، وقتی آن را مؤثر می‌بینیم که به تفکر تلنگر بزند و میل یادگیری را در طرف مقابل تحریک کند تا یادگیری پایدار بماند. امام علی علیه‌السلام

نیز در آموزش‌های نظامی خود این‌گونه عمل می‌کرد. (جهان بزرگی، ۱۳۸۸: ۲۳۳) برخی از صاحب نظران معتقدند که به‌کارگیری اصول جنگ، احتمال پیروزی را افزایش می‌دهد. در غالب متون نظامی، اصول جنگ را شامل اصل هدف، اصل آفند، اصل تمرکز، اصل صرفه‌جویی، اصل مانور، اصل وحدت فرماندهی، اصل تأمین، اصل سادگی و اصل غافلگیری برشمرده‌اند. اما در اسلام با توجه به همان مبانی گفته شده، زمینه‌ها و عوامل برتر ساز را به‌گونه‌ای دیگر برشمرده‌اند. البته این به معنای عدم فراهم‌سازی علل و اسباب مادی موردنیاز نیست، ولی عوامل معنوی برتر ساز ویژه‌ای به عوامل مادی می‌دهند که برخی از مهم‌ترین این عوامل عبارت‌اند از:

۱- ایمان: ایمان به خدا تضمین‌کننده پیروزی مؤمنین است. ایمان به خدا، توانایی می‌بخشد، عزم را استوار و اراده را مستحکم و گام‌ها را ثابت و دل را سکینه می‌بخشد، ایمان قدرت تحمل را بالا می‌برد، به اهداف جنبه الهی و قدسی می‌بخشد و مفهوم و قواعد پیروزی و شکست را در هندسه دیگری تعریف می‌کند.

۲- بصیرت: دشمن‌شناسی و رصد کردن اقدامات دشمن به‌عنوان راهی برای دریافتن نیت و اهداف او از ضروریات است.

۳- صبر: خودداری از ناشکیبایی و از کف ندادن توان تدبیر است. مفهوم مقاومت و ایستادگی در قرآن کریم با سه واژه صبر، استقامت و ثبات آمده است. تفاوت صبر و استقامت این است که صبر معنای وسیع‌تری دارد و در برابر معصیت، مصیبت و طاعت امر توصیه شده است. استقامت تنها طاعت است و ثبات به‌عنوان ایستادگی و پایمردی ذکر شده است.

۴- صدق: راه جلب عنایت الهی و نصرت او ایمان به خدا و صداقت است.

۵- ذکر: یاد خدا باعث می‌شود تا هدف جهاد برای رزمندگان اسلام زنده و تابناک بماند، حدود و احکام الهی بر رفتار و اعمال افراد حاکم باشد، پیوند رزمنده با مبدأ حیات و با خدای عزیز و قادر مستحکم شود و رزمنده در برابر ناملازمات و دشواری‌های هنگامه نبرد، سکینه و آرامش یابد.

۶- توکل: ریشه توانایی روحی و ظرفیت روحی برای برخورد با دشواری‌ها توکل بر خداوند تعالی است.

۷- شهادت‌طلبی: امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام هزار ضربه شمشیر را از مردن در بستر در غیر اطاعت خدا گواراتر می‌داند.^۱ «ملتی که شهادت را می‌خواهند او را از چه می‌ترسانند؟ مردن برای آن‌ها

ترس دارد که قاتل نیستند به ماورای طبیعت. کسانی که خدا را می‌شناسند، کسی که قیامت را اطلاع دارد بر آن، کسی که اعتقاد دارد به ماورای طبیعت، این از چه می‌ترسد؟ (حضرت امام خمینی رحمت‌الله‌علیه، صحیفه نور، ج ۱۰: ۲۳۵)

۸-امدادهای غیبی و ۹-وحدت کلمه و اتحاد. (ظریف منش، ۱۳۸۷: ۴۰-۳۲)

۴-۲-تهدیدات نظامی:

به اعتقاد بسیاری، تهدید نظامی هنوز اصلی‌ترین تهدید برای یک دولت محسوب می‌شود. زیرا تهدید نظامی همه اجزاء دولت اعم از حاکمیت، سرزمین و نهاد دولت و از سویی دستاوردهای صنعتی، اقتصادی و تمدنی جامعه را مورد هدف قرار می‌دهد. تهدید نظامی قابل‌درک و ملموس‌ترین نوع تهدید برای آحاد یک جامعه است. بدون تردید میزان اهمیت امنیت نظامی با نوع و تحولات تهدیدها ارتباطی مستقیم دارد. هر چه تهدیدها به سمت تهدیدهای قدیمی سوق یابد، نوعی از امنیت نظامی متناسب با آن شکل خواهد گرفت. البته به‌رغم گذشت دوران قدیم، هنوز نوع تهدید، روش نظامی در پاسخ به تهدیدها را مشخص می‌سازد. به این معنی که حوزه تغییرات امنیت نظامی صرفاً در شیوه‌های نظامی و نوع تسلیحات به کارگرفته شده خلاصه می‌شود. بنابراین با وجود تهدیدات به‌خصوص و تهدیداتی که متوجه حاکمیت ارضی و قلمرو سرزمین دولت‌ها است، جنگ کردن و پیروزی نظامی در آن، هنوز هم هدف محوری است، هرچند در بسیاری از کشورها تأکید بر جنگ قدیمی به‌سوی کشمکش غیر سنتی کم شدت معطوف شده است. (ربیعی، ۱۳۸۳: ۱۴۰) تهدیدات نظامی، مرکز نگرانی‌های مربوط به امنیت ملی است. معمولاً اقدام نظامی می‌تواند همه اجزای دولت را تهدید کند و در عمل نیز این‌گونه است. پایه‌های مادی دولت تحت فشار مادی قرار می‌گیرد و امکان دارد خسارت و زیان به بار آید و حتی می‌تواند به‌شدت بر اکوسیستم اثر بگذارد. همچنین تهدیدات نظامی ممکن است موجب اختلال با نابودی نهادها شده و تفکر مربوط به دولت را سرکوب، تخریب یا محو نماید. تدابیر نظامی، نه‌تنها به‌طور بنیادی بر کارکردهای حفاظتی دولت اثر دارد، بلکه منافع گوناگون اجتماعی و فردی را نیز که پایدارتر از رؤسای دولت هستند، مورد تهدید قرار می‌دهد. از نقطه‌نظر ملی، دولت‌های ضعیف، تهدید نظامی را جدی‌تر می‌گیرند. زیرا بدون تردید در ابتدای هر تهدید نخبگان حاکم در معرض تهدید واقع می‌شوند و برحسب اهداف مهاجمان چه‌بسا بخش‌های بزرگی از جامعه نسبت به تغییرات بی‌تفاوت بوده و یا از آن‌ها استقبال کنند. صرف‌نظر از ضعیف یا قوی بودن دولت، همواره

هزینه‌های سنگین انسانی و اقتصادی اقدامات نظامی، به قوت خود باقی هستند. به نظر مکتب کپنهاگ، برجسته‌ترین تهدیدات غیرنظامی نظیر تهدیدهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی باعث شد تا تهدیدات نظامی به ساده‌ترین و فرسوده‌ترین نوع نامنی به محاق فراموشی سپرده شوند و به تبع آن کارگزاران نظامی، پروژه‌های صلح‌آمیز و تحکیم رفاه ملی را به‌عنوان مقدمه ضروری دفاع ملی بپذیرند. مطالعات راهبردی موردنظر مکتب کپنهاگ، جایگاه مناسب را برای دخالت نظامی و تجارت تسلیحاتی قائل نشده، از این رو با تأکید بر مؤلفه‌های نوین قدرت ملی مانند انسجام سیاسی، اجتماعی عملاً نظامیان را از بازیگر عرصه سیاسی به تماشاگر و از طراح راهبرد امنیتی به نقاش ضرورت‌های امنیتی تبدیل کرده است. البته این داوری با واقعیت موجود سازگاری ندارد. با وجود کم‌رنگ شدن حضور نظامیان، ارزش‌افزوده حاصل از تسلیحات نظامی و توان تولید ماشین جنگی یکی از مؤلفه‌های مهم قدرت ملی به شمار می‌آید و بخش مهمی از عایدات کشورهای پیشرفته و صنعتی از محل صدور تسلیحات است. (همان: ۳۸۹) در نیمه دوم قرن بیستم تکنولوژی نظامی برخی کشورها به قدری توسعه یافت که توان تجاوز نظامی برخی کشورها و درعین حال پاسخ نظامی فراگیر علیه کلیه دولت‌ها را برای آن‌ها فراهم ساخت. حال اگر این تکنولوژی به‌صورت متعادل، بین دولت‌های جهان تقسیم شود، نوعی بازدارندگی فراگیر به وجود می‌آید که در آن هر دولتی با این محاسبه که در صورت تجاوز به کشوری، با پاسخی متناسب روبه‌رو خواهد شد و از تجاوز نظامی خودداری خواهد نمود. با این حال چنین تفکری نیز با انتقاد مختلفی مواجه شده است. به نظر منتقدان در چنین سیستمی متغیرهایی چون خطای انسانی، محاسبات غلط، ایدئولوژی‌های انتحاری، تروریسم، بروز مشکل فنی پیش‌بینی نشده و غیره هر لحظه ممکن است موجبات نابودی جزئی یا کلی جهان را فراهم نموده و امنیت بین‌الملل را به شدت مختل سازد. پس از پایان جنگ سرد، کشورهای صنعتی و پیشرفته به‌ویژه آمریکا، به مداخله‌های خود در کشورهای کوچک و توسعه‌نیافته ابعاد و اشکال تازه‌ی دادند. گرچه دولت‌مردان و رسانه‌های گروهی غرب از چیزی با عنوان «نظم نوین جهانی» سخن گفتند اما در واقع نظم نوین جهانی چیزی جز شکل تازه نظام سلسله‌مراتب جهان نبود. نظم نوین شکل جدیدی از سلطه غرب است متتها آشکارتر و مداخله‌جویانه‌تر. کشورهای غربی آماج سلاح‌های خود را از شوروی سابق به‌سوی جنوب برگرداندند و سازمان ناتو برای مداخله‌های خارجی، نیروی واکنش سریع ایجاد کرده است. حتی سلاح‌های هسته‌ای به شکل‌های جدیدی طراحی شده است تا مناسب کاربرد در

جنوب باشد. کشورهای سلطه‌گر صنعتی آشکارا تقاضاهای خود را افزایش داده‌اند و کمک‌های اقتصادی را به کاهش هزینه‌های نظامی پیوند می‌دهند. واقعیت این است که اشاره به هزینه‌های نظامی بهانه‌ای است برای جلوگیری از انتقال منابع توانایی‌های نظامی به کشورهای فقیر. کشورهای سلطه‌گر درحالی‌که خودشان انواع سلاح‌های هسته‌ای، شیمیایی و میکروبی را انبار می‌کنند، می‌خواهند کشورهای توسعه‌نیافته حتی از داشتن سلاح‌های پیشرفته و یا هسته‌ای بازدارنده محروم باشند. در جنگ نفت آن‌ها قدرت نظامی عراق را به کلی نابود کردند، ولی هنگامی‌که ایران قربانی تجاوز ارتش بعث عراق بود، تهدیدی علیه قدرت نظامی عراق نداشتند و هرروز سلاح‌های پیشرفته‌تری در اختیار رژیم عراق قرار می‌دادند. (روشندل، ۱۳۸۷: ۱۶۶) تجربه به اثبات رسانده که در پی هر عامل داخلی تهدید، عوامل خارجی نیز دخالت دارد و خواه‌ناخواه هر تهدید داخلی معجون ترکیبی از تهدید داخلی و خارجی است. در طول تاریخ، تهدید داخلی بدون مداخلات و تحرکات خارجی در هیچ‌یک گوشه جهان به وجود نیامده و برعکس، هیچ تهدید خارجی بدون وابستگی به عوامل داخلی هم نبوده است؛ لذا می‌توان گفت که بین عوامل داخلی و خارجی تهدیدات امنیتی کشورها یک رابطه مستقیم وجود دارد. عوامل تهدیدات امنیتی از یک کشور تا کشور دیگر دارای ویژگی‌های متفاوت است. تهدیدات خارجی امنیت مانند تهدید داخلی، ابعاد گسترده و متنوع دارد و در مقاطع مختلف به اشکال مختلف امنیت را تهدید نموده به چالش می‌کشاند. مهم‌ترین عوامل خارجی تهدید امنیت را به شکل ذیل می‌توان خلاصه کرد:

۱- تهاجم نظامی: باوجود تغییراتی که در رابطه بین کشورهای سلطه‌گر با کشورهای ضعیف رخ داده است، هنوز هم تهدید نظامی به‌ویژه در کشورهای موسوم به جنوب به کلی منتفی نشده است. ایران خود قربانی یکی از ناجوانمردانه‌ترین تجاوزات از سوی رژیم عراق بود. در یک نظام بین‌الملل که هنوز هیچ نهاد و سازمان جهانی برای جلوگیری از وقوع جنگ و درگیری در آن وجود ندارد و سازمان ملل هم نتوانسته است مکانیسم مطمئنی برای سرکوب تجاوز کشوری علیه کشور دیگر را اتخاذ کند، هنوز هم تهاجم کشورها علیه یکدیگر منتفی نبوده و هیچ کشوری از تهدید نیروهای نظامی در امان نیست. کشورها نمی‌توانند خود را به حسن نیت کشورهای دیگر دلخوش کنند و نسبت به مسائل امنیتی خود بی‌توجه باشند. همچنین هیچ کشوری نمی‌تواند تنها به حمایت متحدان خود دلخوش کند. ضمن اینکه نیروی نظامی تنها برای تهاجم و وارد آوردن ضربه بر کشورهای دیگر نیست، بلکه وسیله‌ای برای پیشبرد سیاست خارجی پشت میز مذاکره هم

هست. به‌رغم امیدآوری‌هایی که با پایان گرفتن جنگ سرد برای پیشرفت صلح جهانی و قدرت گرفتن سازمان ملل پیش آمد، نمی‌توان گفت جنگ بین کشورها به‌ویژه کشورهای جهان سوم فروکش خواهد کرد. (همان: ۱۴۰) در جهان بشری هیچ‌یک از تشکل‌های بین‌المللی، از قبیل سازمان ملل متحد، شورای امنیت، پیمان‌های نظامی و اقتصادی، حفظ سیاست‌های بی‌طرفی کشورها و تدابیر صلح‌آمیز تاکنون نتوانسته است جلو تهاجم‌های نظامی کشورهای مقتدر و قوی را علیه کشورهای ضعیف بگیرد.

۲- مداخله نظامی آشکار: پس از تهاجم نظامی، مهم‌ترین تهدید خارجی علیه امنیت یک کشور مداخله مستقیم نظامی برای کمک به شورشیان و مخالفان داخلی حکومت آن کشور است. بدیهی است که این‌گونه مداخله‌ها با عناوین مردم‌پسند و بشردوستانه صورت می‌گیرد. در تاریخ مناسبات بین‌المللی با دو نوع مداخله نظامی روبرو هستیم: نخست مداخله‌ای که از جانب یک قدرت بزرگ برای حفظ رژیم حاکم بر یک کشور در برابر مخالفان داخلی و به‌منظور حفظ منافع مستقر خود صورت می‌گیرد. نوع دوم دخالت نظامی، مداخله به نفع شورشیان مخالف یک حکومت مستقر برای سرکار آوردن حکومتی منطبق با منافع کشور یا کشورهای مداخله‌گر است. (همان: ۱۴۲) چنین تهدیداتی علیه امنیت کشورها غالباً از طریق پشتیبانی و تقویت مستقیم نظامی مخالفین مسلح داخلی یک کشور، توسط کشور دیگر، به‌منظور حفظ منافع و یا مستقر ساختن حکومت‌های دلخواه آن صورت گرفته که مثال‌های بی‌شماری از چنین مداخلات را در جهان شاهد هستیم.

۳- توطئه یا دسیسه: این نوع تهدیدات امنیتی از راه اقدامات و عملیات‌های پنهانی در ساختارها و تشکلات سیاسی و اجتماعی کشورها، راه‌اندازی تظاهرات، اعتصابات و اغتشاش‌ها به‌منظور بدنام کردن و تضعیف پایه‌های مردمی رژیم ایجاد می‌شود و غالباً این نوع تهدیدات امنیتی در کشورهایی که سطح دانش و سواد مردم آن کمتر رشد کرده باشد، خیلی مؤثر واقع می‌گردد و امنیت ملی آن را با چالش‌های بزرگ مواجه می‌سازد.

۴- عملیات پنهانی سیاسی یا ستون پنجم: این شیوه نیز یکی از عوامل عمده از بین بردن امنیت سراسری نفوذ یک کشور در یک کشور دیگر و همچنان خدشه‌دار کردن حاکمیت ملی آن کشور است. عملیات پنهان سیاسی یا ستون پنجم شامل تطمیع دولت‌مردان و متنفذین یک کشور، فعالیت‌های تبلیغاتی مخفی و سرانجام ترور شخصیت‌های ملی و رهبران نخبه سیاسی به‌واسطه

گروه‌های مشخص و افراد اجیرشده داخلی و خارجی انجام می‌شود. این شیوه مداخله بعد از جنگ جهانی دوم بیشتر از هر وقت دیگر در جهان رایج گردیده و اهمیت کسب نموده است.

۵-تبلیغات خارجی: معمولاً تبلیغات خارجی برضد امنیت کشورها از طریق رادیو، تلویزیون، نوارهای ویدیویی، نشریات و جراید و سایت‌های اینترنتی انجام می‌گیرد. هدف تبلیغات غالباً ایجاد شکاف و عمیق ساختن آن، ایجاد فاصله بین ملت و حکومت، بدنام کردن و بی‌اعتماد ساختن دولت‌ها در نزد ملت آن و جامعه بین‌المللی و بی‌ثبات ساختن اوضاع می‌باشد که در نتیجه باعث اختلال امنیت و ایجاد چالش‌های بزرگ فراروی امنیت می‌گردد. (امیدوار نیا، ۱۳۸۱: ۵۵)

۵-۲-قدرت نظامی:

قدرت نظامی یک ملت عبارت است از قدرت کلیه نیروهای مسلح توأم با سایر عناصر قدرت ملی. قدرت نظامی مبتنی بر این عوامل است: قدرت اقتصادی، توان تکنولوژیکی، قدرت سیاسی و توانایی کشور در به‌کارگیری نیروهای مسلح برای پشتیبانی از سیاست ملی. (چگینی، ۱۳۷۲: ۲۴)

قدرت نظامی به مجموع نیروهای مسلح، تجهیزات، فنون و آمادگی‌های نظامی یک دولت نظر دارد و بیش از آنکه به‌صورت بالفعل مطرح باشد، شکل بالقوه و آمادگی و توانایی به‌کارگیری منابع و امکانات مدنظر را دارد. قدرت نظامی و کاربرد آن هنگامی که در سیاست خارجی به‌عنوان ابزار اعمال سیاست خارجی مطرح می‌شود که دیپلماسی، کارساز نباشد. قدرت نظامی در دنیای معاصر، عنصر اصلی بازدارندگی تلقی می‌گردد، به این معنی که با داشتن قدرت نظامی، دشمنان تصور و اندیشه تجاوز را در سر نپرورانده و از تهاجم بازداشته می‌شوند. (مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۷۵)

قدرت نظامی به قابلیت کشور در حفاظت و پدافند از منافع ملی در برابر خطر نفوذ و سلطه نظامی دشمنان خارجی گفته می‌شود. مجموعه‌ای از نیروهای مسلح توأم با سایر عناصر قدرت ملی و توان زمامداران کشور در به‌کارگیری این نیروها برای پشتیبانی از اهداف و سیاست‌های دفاعی و امنیتی کشور است. قدرت نظامی به‌عنوان یکی از عناصر قدرت ملی و وسیله‌ای در اختیار دولت برای پشتیبانی از اهداف و سیاست‌های ملی است، ولی نباید تصور شود که قدرت نظامی تنها ابزار نفوذ و تأثیرگذاری بر رفتار و اندیشه دیگر دولت‌ها است. بسیاری از صاحب نظران بر این عقیده‌اند که توسل به‌زور و استفاده از قدرت نظامی برای پیشبرد اهداف و مقاصد زورگویانه و نامشروع، کاربرد ندارد. (همان: ۱۷۶)

یکی از وجوه قدرت و قدرت ملی، قدرت نظامی است و قدرت نظامی یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین‌کننده امنیت ملی است. قدرت نظامی در وهله اول

برای جلوگیری از جنگ است، شناخت این قدرت نظامی به‌ویژه در عصر کنونی حائز اهمیت ویژه است. به دلیل جنگ‌هایی که در آن مطرح است مانند جنگ‌های شبکه‌ای، اطلاعاتی، سایبری، هوشمند و نسل‌های جدید جنگ که در نسل چهارم و پنجم قرار داریم. (وحیدی، ۱۳۹۱) قدرت نظامی به دلیل اینکه بخش مهم و حساس بلکه تفکیک‌ناپذیر از قدرت حکومت است، از برجستگی خاصی در بین سایر ابعاد قدرت برخوردار است. به همین تعبیر قدرت نظامی توانایی یک ملت برای حفظ و حراست سرزمین، حفظ منافع، تأمین اتحادها و کسب اهداف آن است. (مطالعه تطبیقی در اندیشه نظامی، ۱۳۹۰: ۸۴) قدرت نظامی و نحوه شکل‌گیری و راه‌های ارتقای وضعیت وجودی آن در قالب اندیشه نظامی قرار خواهد گرفت و راه‌های کاربست موفق این قدرت را متناسب با نوع راهبردهای ملی که خود موجب بسط این مقوله به حوزه سیاست ملی می‌گردد، تحت پوشش قرار می‌دهد. از طرف دیگر مقدمات توسل به قوه قهریه نیز بخش لاینفک بلکه هسته‌ای این تلاش‌های فکری است. سازمان و ساختار نظامی (ایجاد تشکیلات اداری و هدایت‌کننده تا ساختارهای عملیاتی و تاکتیکی، ایجاد ارتش‌های منظم و نامنظم، برنامه‌ریزی نظامی، تدوین راهبردهای جهت‌دهنده به نیروهای مسلح و امور نظامی، آموزش نظامی، اقدامات دومنظوره با توجه به اقتصاد دفاعی، تحقیقات و مانور و ...) بسترها و پیش‌نیازهای توسل به نیروی نظامی در جنگ هستند که در این قالب موردبحث قرار می‌گیرند. ضمن اینکه روش‌های توسل به قوه قهریه با توجه به مشروعیت (دفاع مشروع، اقدامات تلافی‌جویانه، اقدامات حفظ صلح در قالب سازمان‌های منطقه‌ای، اجرای نظامی امنیت دسته‌جمعی) و یا عدم مشروعیت (هر نوع تهاجم و تجاوز) در همین قالب قرار می‌گیرد. (همان: ۸۵) در ارزیابی قدرت نظامی یک کشور، عوامل محسوس، نامحسوس و برتر ساز فراوانی تأثیر دارند. مؤلفه‌های قدرت نظامی یا کمی هستند و یا کیفی و در مواردی هر دو بعد را شامل می‌شوند. بر اساس یک دیدگاه موجود، زیربناهای قدرت نظامی این‌گونه بیان شده است: علوم و فناوری، اقتصاد، روحیه و همبستگی ملی، جمعیت (از نظر کمی و کیفی)، خرد و رهبری. (مرادیان، ۱۳۸۷: ۱۷۷) اندیشمندان متعددی درباره متغیرها و شاخص‌های قدرت نظامی اعلام نظر کرده‌اند. در بین صاحب‌نظران گوناگون، «اشلی تلیس»^۱ و همکاران وی عناصر فراوان و متنوعی را در قالب قدرت نظامی بیان کرده‌اند که عبارت‌اند از:

^۱ E.Telis

- ۱- منابع راهبردی که ارتش از دولت دریافت می‌کند و شامل بودجه دفاعی، نیروی انسانی، زیرساخت نظامی، نهادهای جنگی، پایه صنعت دفاعی و مواد جنگی پشتیبانی است.
- ۲- متغیرهایی که وسایل تبدیل‌کننده این منابع به توانمندی‌های ویژه جزء آن هستند (مانند تهدیدهایی که در برابر یک کشور قرار دارد و راهبردهای مطرح شده برای مقابله با آن‌ها).
- ۳- توانمندی‌های نیروهای جنگنده که از راه طیفی از صلاحیت‌های جنگی درک می‌شود و ممکن است با درجات مختلف وجود داشته باشد. (زرقانی، ۱۳۸۷: ۸۷)

مروری بر نظریه‌های صاحب نظران و کارشناسان گوناگون مشخص می‌کند که عوامل و متغیرهای متعددی بیان شده و دوازده عامل و متغیر را به‌عنوان شاخص‌های قدرت نظامی ارائه داده‌اند: موقعیت راهبردی، شرکای راهبردی، انگیزه و عقیده، دکترین و راهبرد، بسیج نیرو و سازمان‌دهی، آموزش، پژوهش و سازمان‌دهی، پایگاه و تأسیسات نظامی، پشتیبانی، فرماندهی و رهبری، بودجه و هزینه‌های دفاعی، تجهیزات و تسلیحات، ارتش و نیروی نظامی. در بین این ۱۲ عامل به ترتیب تعداد ارتش و نیروی نظامی، تجهیزات و تسلیحات، بودجه و هزینه‌های دفاعی، فرماندهی و رهبری و پشتیبانی رتبه‌های اول تا پنجم را از نظر درصد فراوانی در این نظریه‌ها به خود اختصاص داده‌اند. در بین این پنج متغیر برتر، سه متغیر اول بالاترین جایگاه را دارند. به‌بیان‌دیگر این سه متغیر در مجموع حدود پنجاه درصد سهم متغیرهای نظامی را به خود اختصاص می‌دهند. این موضوع نشان می‌دهد که از منظر این کارشناسان، این سه متغیر بهترین شاخص‌های قدرت نظامی هستند. (همان: ۸۸)

۳- روش‌شناسی:

از آنجا که یافته‌های پژوهش می‌تواند در حوزه تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی راهبردی و عملیاتی مورد استفاده و بهره‌برداری فرماندهان و مدیران راهبردی و ارگان‌های ذی ربط در حوزه امنیت نظامی قرار گیرد، می‌توان این تحقیق را از نوع کاربردی محسوب نمود، همچنین بر اساس اینکه یافته‌های پژوهش در نهایت موجب تعیین دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران می‌شود از نوع توسعه‌ای محسوب می‌گردد، بر این اساس، این تحقیق از نوع کاربردی - توسعه‌ای است. برای اجرای این پژوهش از روش تحقیق موردی - زمینه‌ای استفاده می‌شود. جامعه آماری این پژوهش در حوزه اسنادی، گفتمان ولایت‌فقیه، کلیه بیانات و مکتوبات ولایت‌فقیه در حوزه امنیت نظامی از تاریخ ۵۷/۱۱/۲۲ تا پایان این پژوهش، در حوزه قانون اساسی،

کلیه اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مرتبط با امنیت نظامی و در حوزه سیاست‌های کلی نظام، کلیه سیاست‌های کلی مصوب ولایت فقیه در حوزه امنیت نظامی است که به صورت تمام شمار است. در حوزه اشخاص نیز خبرگان راهبردی حوزه دانا (دفاعی، امنیتی و نظامی) است که تا حد اشباع نظری پیش خواهد رفت. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از روش کتابخانه ای و ابزار فیش برداری به منظور مفهوم شناسی و بررسی مفاهیم نظری و همچنین تدوین ادبیات و چارچوب نظری تحقیق در موضوع امنیت نظامی در متون علمی، دینی و همچنین آراء و اندیشه‌های حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه، حضرت امام خامنه ای مدظله‌العالی، قانون اساسی کشور و سیاست‌های کلی استفاده شده است. به منظور استانداردسازی یافته‌های پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شده است. روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش شامل روش تحلیل محتوا^۱، تحلیل گفتمان^۲ و روش تحلیل تفسیری^۳ است.

۴- تجزیه و تحلیل داده‌ها و یافته‌های تحقیق:

۱-۴- تحلیل محتوا: متن آراء، اندیشه‌ها و بیانات و مکتوبات ولایت فقیه در حوزه امنیت نظامی بر اساس روش تحلیل محتوا مورد تحلیل واقع و مقولات مرتبط با گفتمان حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه و حضرت امام خامنه ای مدظله‌العالی در جداول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۱: مقولات مندرج در تحلیل محتوای اندیشه‌ها، آراء، نظرات و رهنمودهای حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه

درصد فراوانی	فراوانی	کلمات	مقوله	بعد
۳۶/۳	۱۰۴	مقاومت، شهادت، اسلام، ایمان، معنویت، خدمت برای خدا، تحول الهی، آرمان‌های الهی، جهاد، عظوفت، عدالت، ایثارگری و فداکاری، تقوا، عنایت غیبی، اخلاص، توکل	قدرت و اقتدار معنوی	دکترین
۷/۶۹	۲۲	حفظ استقلال، حفظ منافع، حفظ مرز، امنیت، آرامش، حفظ میهن، مقابله با تهدید	تأمین امنیت	هدف
۲۴/۱۲	۶۹	نظم و انضباط، وفاداری، عزم و اراده، بصیرت، عدم مداخله سیاسی، آموزش، تربیت، مجاهدت درونی	تربیت نیروی انسانی	سیاست
۱۲/۹۳	۳۷	قدرت، خودکفائی، تسلیحات و تجهیزات، تقویت	قدرت و اقتدار نظامی	دکترین

- 1 Content analysis
- 2 Discourse Analysis
- 3 Commentary Analysis

درصد فراوانب	فراوانب	کلمات	مقوله	بعء
۴/۵۴	۱۳	حفاظت اطلاعات؁ اشراف اطلاعاتب؁ دشمن‌شناسب؁ مقابله با عملببب روانب	اشراف اطلاعاتب و حفاظت از اطلاعات	سبببسات
۵/۲۴	۱۵	دفاع؁ دفاع همه‌جانبه؁ دفاع مرءمب	دفاع	دکتربب
۱/۷۴	۵	آمءءگب	آمءءگب	دکتربب
۰/۳۴	۱	موقعبب راهبرءب	موقعبب راهبرءب	سبببسات
۵/۲۴	۱۵	علم و دانش؁ نوآوری	علم و فناورب	سبببسات
۱/۷۴	۵	استکبارسببببب	استکبارسببببب	دکتربب
۱۰۰	۲۸۶	جمع		

ءءول شماره ۲: مقولات منءرء در ءءللل مءءوآب انءبشه‌ها؁ آراء؁ نظرات و رهنموءهآب

ءءضرت امام ءامنه‌آب مدظله‌العالب

درصد فراوانب	فراواذ ب	کلمات	مقوله	بعء
۱۶/۸	۱۵۵	اسلام؁ ابمان؁ ارزش‌های اسلامی؁ ءوكل و اعءماء به ءءء؁ ءقواء؁ عباءء؁ ءءءبب برای ءءء؁ عمل صالح؁ مقاومء؁ ءءءب؁ معنوبء؁ اقتءار معنوب؁ قءرب معنوب؁ شءاءء؁ ءءبب انءقلاوب؁ آرمان‌های الهب؁ اخلاص؁ فرهنگ ءءءاءب	قءرب و اقتءار معنوب	دکتربب
۱۷/۰۸	۱۵۷	اسءءلال؁ هوبء؁ حفظ مبهن؁ حفظ مرز؁ امنبء؁ ءمامبب ارضب؁ مقابله با ءهءبء؁ ءصن و ءصار؁ حفظ منافع؁ آرامش و اعءماء؁ ناامنب نظامب؁ مقابله با عملببب روانب؁	ءأمبب امنبب	هءف
۱۵/۱۲	۱۳۹	بصبرء؁ وفاءارب؁ فءاكارب؁ ءوءسازب؁ ءرببب معنوب؁ نظم و انضباط؁ ءرببب؁ باسازب نبروب انساني؁ عزم و ارءء؁ عءم مءءءله سبببب؁	ءرببب نبروب انساني	سبببسات
۴/۵۷	۴۲	ءقوبء؁ قءرب و اقتءار	قءرب و اقتءار نظامب	دکتربب
۷/۰۷	۶۵	دشمن‌شناسب؁ اشراف اطلاعاتب؁ حفاظت اطلاعات؁	اشراف اطلاعاتب و حفاظت از اطلاعات	سبببسات

درصد فراوانی	فراوانی ی	کلمات	مقوله	بعد
۶/۲۰	۵۷	دفاع، دفاع نظامی، دفاع مردمی،	دفاع	دکترین
۱۰/۰۱	۹۲	آمادگی	آمادگی	دکترین
۱/۳۰	۱۲	نیروی قدس، حمایت از هسته‌های حزب الله، موقعیت راهبردی،	موقعیت و عمق راهبردی	سیاست
۱۰/۹۹	۱۰۱	علم و دانش، آموزش، ابتکار و خلاقیت و نوآوری، فناوری، جهاد علمی	علم و فناوری	سیاست
۱/۶۲	۱۵	استکبار ستیزی	استکبار ستیزی	دکترین
۳/۰۴	۲۸	تجهیزات، مسلح شدن،	تجهیزات و تسلیحات	سیاست
۱/۱۹	۱۱	بازدارندگی، پیمان دفاعی، آمایش سرزمینی	بازدارندگی	سیاست
۳/۱۵	۲۹	خودباوری، خودباوری و اعتماد، خودکفائی،	خودکفائی	سیاست
۰/۷۶	۷	پدافند غیرعامل	پدافند غیرعامل	سیاست
۱۰۰	۹۱۹	جمع		

۲-۴- تحلیل گفتمان: متن آراء، اندیشه‌ها و بیانات و مکتوبات ولایت فقیه در حوزه امنیت نظامی بر اساس روش تحلیل گفتمان مورد تحلیل واقع و در جداول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۳: محورهای سه‌گانه اداره امور حوزه امنیت نظامی در تحلیل گفتمان حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیه

مؤلفه‌ها	محور	ردیف
قدرت و اقتدار معنوی، قدرت و اقتدار نظامی، استکبارستیزی، آمادگی همه‌جانبه، دفاع همه‌جانبه	دکترین	۱.
تأمین امنیت، حفظ استقلال، مقابله با تهدیدها، حفاظت از انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور	اهداف	۲.
تجهیزات و تسلیحات، تربیت نیروی انسانی، اشراف اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، توان علمی، خودباوری و خودکفایی، دفاع مردمی، دشمن‌شناسی، موقعیت و عمق راهبردی، عملیات روانی، خلاقیت و نوآوری	سیاست ۱	۳.

جدول شماره ۴: محورهای سه‌گانه اداره امور حوزه امنیت نظامی در تحلیل گفتمان حضرت امام خامنه‌ای مدظله‌العالی

مؤلفه	محور	ردیف
قدرت و اقتدار معنوی، قدرت و اقتدار نظامی، فرهنگ جهادی، استکبارستیزی،	دکترین	۱.

ردیف	محور	مؤلفه
	امنیت نظامی	آمادگی همه‌جانبه، دفاع همه‌جانبه
۲.	اهداف امنیت نظامی	تأمین امنیت، حفظ استقلال، مقابله با تهدیدها، حفاظت از انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
۳.	سیاست‌ها ی امنیت نظامی	تربیت نیروی انسانی، اشراف اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، توان علمی - فناوری، خودباوری و خودکفایی، دفاع مردمی، دشمن‌شناسی، مقابله با عملیات روانی، خلاقیت و نوآوری، تجهیزات و تسلیحات، بازدارندگی، موقعیت و عمق راهبردی، پیمان‌های منطقه‌ای، آمایش سرزمینی مناسب، گسترش پدافند غیرعامل

۳-۴- تحلیل تفسیری: محورها و رویکردهای قانون اساسی و سیاست‌های کلی بر اساس روش تفسیری مورد تحلیل واقع و نتایج آن در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۵: محورهای سه‌گانه اداره امور امنیت نظامی در قانون اساسی و سیاست‌های کلی

ردیف	محور	مؤلفه
۱.	دکترین امنیت نظامی	قدرت و اقتدار معنوی، قدرت و اقتدار نظامی، دفاعی بودن
۲.	اهداف امنیت نظامی	حفظ استقلال، مقابله مؤثر با تهدیدهای خارجی، تأمین امنیت، گسترش حاکمیت، قانون خدا در جهان، حفظ منافع ملی، حفظ نظام، حفظ تمامیت ارضی، حفاظت از انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
۳.	سیاست‌ها ی امنیت نظامی	تربیت نیروی انسانی، اشراف اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، دفاع و بسیج مردمی، توان علمی، خودباوری و خودکفایی، موقعیت و عمق راهبردی، پیمان‌های منطقه‌ای، آمایش سرزمینی مناسب، بازدارندگی همه‌جانبه، گسترش پدافند غیرعامل، تأمین تجهیزات و تسلیحات، تفکیک‌ناپذیری آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی، کشور، ممنوعیت استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، مشارکت در امدادسانی، ممنوعیت سلطه بیگانه بر ارتش، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهاد:

جمع‌بندی مؤلفه‌های مصداقی حاصل از تحلیل گفتمان ولایت‌فقیه و تحلیل تفسیری محورها و رویکردهای قانون اساسی و سیاست‌های کلی در جدول زیر ارائه می‌شود.

جدول شماره ۶: مؤلفه‌های دگرترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی

ردیف	محور	مؤلفه
۱.	دکترین امنیت نظامی	قدرت و اقتدار معنوی، قدرت و اقتدار نظامی، فرهنگ جهادی، استکبارستیزی، آمادگی همه‌جانبه، دفاع همه‌جانبه
۲.	اهداف امنیت نظامی	تأمین امنیت، حفظ استقلال، مقابله با تهدیدها، گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان، حفظ منافع ملی، حفظ نظام، حفظ تمامیت ارضی، حفاظت از انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
۳.	سیاست ت‌های امنیت نظامی	تربیت نیروی انسانی، اشراف اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، توان علمی - فناوری، خودباوری و خودکفایی، دفاع و بسیج مردمی، دشمن‌شناسی، عملیات روانی، دیپلماسی دفاعی، خلاقیت و نوآوری، تجهیزات و تسلیحات، بازدارندگی همه‌جانبه، موقعیت و عمق راهبردی، پیمان‌های منطقه‌ای، آمایش سرزمینی مناسب، گسترش پدافند غیرعامل، تفکیک‌ناپذیری آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور، ممنوعیت استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، مشارکت در امدادسانی، ممنوعیت سلطه بیگانه بر ارتش، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری.

به‌منظور استانداردسازی یافته‌های پژوهش در قالب مؤلفه‌های مربوط به دگرترین، اهداف و سیاست‌های حوزه دگرترین نظامی، از پرسشنامه محقق ساخته استفاده و مراتب در بین جامعه آماری توزیع که یافته‌های به‌دست‌آمده مورد تأیید خبرگان موردنظر قرار گرفت. در جدول فوق، دگرترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه، قانون اساسی و سیاست‌های کلی و با استفاده از روش‌های تحلیل محتوا، تحلیل گفتمان و تحلیل تفسیری استخراج و ارائه شده است. قاعدتاً به علت جامعیت گفتمان ولایت‌فقیه که بر اساس مبانی دینی و آموزه‌های اسلامی تبلور یافته و همچنین جامعیت نسبی محورها و رویکردهای قانون اساسی و سیاست‌های کلی نظام، مؤلفه‌های تحصیل شده جامعیت بالائی نسبت به دیدگاه‌های مطرح‌شده

غربی و حتی اندیشمندان مسلمان و بسیاری از پژوهش‌های صورت گرفته و مبانی نظری که در این پژوهش به آن‌ها پرداخته شده، داشته و دارد، چه بسا اینکه بسیاری از پژوهش‌های سال‌های اخیر در حوزه‌های دفاعی، نظامی و امنیتی هم تلاش داشتند تا یافته‌های خود را بر اساس مبانی دینی و گفتمان ولایت‌فقیه مستند و ارائه نمایند. در یک نگاه کلی می‌توان تفاوت بین یافته‌های تحقیق و مواردی که در مبانی نظری این پژوهش آمده را در جدول زیر ملاحظه نمود.

جدول شماره ۷: مقایسه تطبیقی مؤلفه‌های دکترین، اهداف و سیاست‌های امنیت نظامی در مبانی نظری و یافته‌های تحقیق

ردیف	محور	مبانی نظری	یافته‌های تحقیق
۱.	دکترین امنیت نظامی	قدرت نظامی، دفاع، آمادگی و هوشیاری، توان رزمی، ایمان و معنویت	قدرت و اقتدار معنوی، قدرت و اقتدار نظامی، فرهنگ جهادی، استکبارستیزی، آمادگی همه‌جانبه، دفاع همه‌جانبه
۲.	اهداف امنیت نظامی	حفظ تمامیت ارضی، مقابله با تهدید، حفظ بقا و امنیت، مصونیت در برابر تهدید نظامی	تأمین امنیت، حفظ استقلال، مقابله با تهدیدها، گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان، حفظ منافع ملی، حفظ نظام، حفظ تمامیت ارضی، حفاظت از انقلاب اسلامی و منابع حیاتی کشور
۳.	سیاست‌های امنیت نظامی	بازدارندگی، دیپلماسی نظامی، مشارکت منطقه‌ای، مرزهای راهبردی دفاعی، رصد تحرکات دشمن، خودکفائی، به‌کارگیری فناوری، قابلیت انسانی، عمق راهبردی، تسلیحات، بسیج ملی، آموزش و دانش نظامی	تربیت نیروی انسانی، اشراف اطلاعاتی، حفاظت از اطلاعات، توان علمی - فناوری، خودباوری و خودکفایی، دفاع و بسیج مردمی، دشمن‌شناسی، عملیات روانی، دیپلماسی دفاعی، خلاقیت و نوآوری، تجهیزات و تسلیحات، بازدارندگی همه‌جانبه، موقعیت و عمق راهبردی، پیمان‌های منطقه‌ای، آمایش سرزمینی مناسب، گسترش پدافند غیرعامل، تفکیک‌ناپذیری آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور، ممنوعیت استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، مشارکت در امدادسانی، ممنوعیت سلطه بیگانه بر ارتش، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری.

بر اساس گفتمان ولایت‌فقیه و اسناد بالادستی نظام، در حوزه دکترین امنیت نظامی، برخورداری از اقتدار و قدرت معنوی که به‌عنوان زیر بنای همه مؤلفه‌ها و فعالیت‌ها از جمله قدرت و اقتدار نظامی

-امنیتی محسوب می‌شود، به‌عنوان مؤلفه اساسی آمده است. همچنین فرهنگ جهادی که مؤلفه مهم و ضروری در همه زمینه‌ها است و کارکرد بسیار اساسی دارد جزو اصول مطرح شده است. از سایر مؤلفه‌های این حوزه می‌توان به آمادگی و دفاع همه‌جانبه و برخورداری از روحیه استکبارستیزی به‌عنوان اصول امنیت نظامی جمهوری اسلامی ایران نام برد. در زمینه اهداف امنیت نظامی، مواردی که در یافته‌های این پژوهش به‌دست آمده کمتر در سایر نظرات و پژوهش‌ها اشاره شده است که علاوه بر حفظ امنیت و استقلال و تمامیت ارضی، حفاظت از انقلاب اسلامی و گسترش حاکمیت قانون خدا در جهان از موارد مهم آن است. مؤلفه‌های تحصیل شده درباره سیاست‌های امنیت نظامی را می‌توان در چند دسته ارائه نمود: یک دسته مؤلفه‌های نرم‌افزاری است که مهم‌ترین آن تربیت نیروی انسانی متعهد و متخصص است، در کنار این مؤلفه، مسائل اطلاعاتی از جمله اشراف اطلاعاتی و حفاظت از اطلاعات، دشمن‌شناسی، مقابله با عملیات روانی دشمن، توانایی در حوزه علم و فناوری، برخورداری از خلاقیت و نوآوری، روحیه خودباوری و خودکفائی، بهره‌مندی از دیپلماسی دفاعی، تفکیک‌ناپذیری آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور، نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، بازدارندگی همه‌جانبه و داشتن سیاست دفاع مردمی و استفاده هدفمند از ظرفیت بسیج مردمی دارای اهمیت است. دسته دیگر برخی مؤلفه‌های سخت‌افزاری است که می‌توان به برخورداری از تجهیزات و تسلیحات هوشمند و بازدارنده، استفاده از موقعیت و عمق راهبردی، داشتن پیمان‌های دفاعی منطقه‌ای، آمایش سرزمینی مناسب، گسترش پدافند غیرعامل، ممنوعیت استقرار پایگاه‌های نظامی خارجی، مشارکت در امدادرسانی و ممنوعیت سلطه بیگانه بر ارتش و نیروهای مسلح است.

بر اساس شرایط خاص دفاعی - امنیتی کشور جمهوری اسلامی ایران و شرایط پرتهاب منطقه غرب آسیا و دخالت‌های نیروهای فرامنطقه‌ای و همچنین مبحث مربوط به فناوری هسته‌ای و تهدیدهای مستمر دشمنان نظام در حوزه تهاجم نظامی، پیشنهاد می‌گردد همه مبادی و سامانه‌های دفاعی، امنیتی و نظامی یافته‌های این پژوهش را در فرایند طرح‌ریزی، برنامه‌ریزی، سازمان‌دهی، هدایت، هماهنگی، نظارت و ارزیابی حوزه امنیت نظامی همواره به‌عنوان چراغ راهنما و مؤلفه‌های استخراج شده از اسناد فرادستی تلقی نموده و در راستای تحقق آن‌ها تلاش نمایند تا امنیت کشور در حوزه نظامی تأمین گردد.

۶- فهرست منابع

۱-۶- منابع دینی:

- قرآن مجید، ترجمه استاد محمد مهدی فولادوند.
- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.
- آیت‌الله‌العظمی حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه)، (۱۳۷۴-۱۳۷۰)، صحیفه نور، مجموعه رهنمودهای حضرت امام خمینی (رحمت‌الله علیه) (با تجدیدنظر و اضافات)، تهران، تدوین سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- آیت‌الله‌العظمی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، (۱۳۹۰)، نرم‌افزار حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری حضرت آیت‌الله‌العظمی امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، تهران، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
- آیت‌الله‌العظمی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، (۱۳۹۲-۱۳۸۹)، دیدارها، سخنرانی‌ها، بیانات و ملاقات خصوصی، تهران، دفتر نظامی فرماندهی معظم کل قوا.
- آیت‌الله‌العظمی حضرت امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، (۱۳۹۲-۱۳۸۹)، سخنرانی‌ها و بیانات، تهران، قابل دسترسی در:

www.Khamenei.ir

۲-۶- منابع فارسی:

الف- کتاب:

- امیدوار نیا، محمدجواد، (۱۳۸۱)، امنیت در قرن بیست و یکم، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران، چاپ اول.
- بوزان، باری، (۱۳۸۹)، مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ دوم.
- تهامی، سید مجتبی، (۱۳۸۴)، امنیت ملی (دکتترین، سیاست‌های دفاعی و امنیتی)، جلد اول، تهران، نشر آجا.
- جهان بزرگی، احمد، (۱۳۸۸)، امنیت در نظام سیاسی اسلام، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول.

- چگینی، حسن، (۱۳۷۲)، طرح ریزی استراتژیک نظامی و برنامه ریزی دفاعی، تهران، دانشگاه علوم استراتژیک.
- ربیعی، علی، (۱۳۸۳)، مطالعات امنیت ملی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، چاپ اول، تهران.
- روشندل، جلیل، (۱۳۸۷)، امنیت ملی و نظام بین الملل، انتشارات سمت، تهران.
- زرقانی، سید هادی، (۱۳۸۷)، مقدمه‌ای بر قدرت ملی، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شولتز، ریچارد و گادسون، روی و کوئیستر، جورج، (۱۳۸۶)، رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی، ترجمه سید محمدعلی متقی نژاد، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- فرهنگ جامع واژه‌ها و اصطلاحات نظامی، (۱۳۹۱)، تهران، ستاد کل نیروهای مسلح، دفتر واژه‌گزینی نظامی، انتشارات روناس، چاپ اول
- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۶۸)، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کوستر، جرج اچ، (۱۳۸۱)، رویکرد نظامی، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیت ملی، ترجمه اصغر افتخاری، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، چاپ اول
- ماندل، رابرت، (۱۳۷۹)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی
- مطالعه تطبیقی در اندیشه نظامی، (۱۳۹۰)، انتشارات دانشگاه عالی دفاع ملی، چاپ دوم.
- نامه دفاع (۳۰)، (۱۳۹۱)، عوامل و ویژگی‌های سیاست دفاعی ج. ا. ایران، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره اول.

ب- مقالات:

- بهرامی، محمد، (۱۳۸۲)، قرآن و مسئله امنیت ملی، مجله پژوهش‌های قرآنی، شماره ۳۵ و ۳۶، پاییز و زمستان.
- صنیعی، محمدحسین، (۱۳۸۶)، مهندسی تولید قدرت نظامی، تهران، فصلنامه امنیت پژوهی، دانشکده علوم و فنون فارابی، سال ششم، شماره هفدهم و هیجدهم.

♦ ۱۹۷ ... ج.ا.ا. ... ♦

- ظریف منش، حسین، (۱۳۸۷)، جهاد اسلامی رویکرد برتری ساز در جنگ‌های آینده، تهران، ماهنامه نگرش راهبردی، دانشگاه عالی دفاع ملی.
- مرادیان، محسن، (۱۳۸۷)، شاخص‌های اصلی سنجش قدرت نظامی کشورها، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره بیست و سوم.

ج-سایت‌ها:

- وحیدی، احمد، (۹۱/۸/۷)، قدرت نظامی و پدافند غیرعامل، قابل دسترس در:

<http://khabarfarsi.com>

